

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و سوم

بهار ۱۴۰۲

ستیز و سازش آصف جاهیان با استعمار انگلیس (۱۱۳۵ - ۱۳۶۸ ه.ق)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۲/۴

منصور طر فدراری^۱

یکی از نتایج سلطه‌ی استعمار انگلستان بر شبه‌قاره هند که تا سال ۱۲۷۴ ه.ق در قالب کمپانی هند شرقی و سپس با نظارت مستقیم دولت انگلستان صورت گرفت، خاتمه بخشیدن به امپراتوری گورکانی (۱۲۷۴ - ۹۳۲ ه.ق) و سلطه بر حکومت‌های محلی از جمله آصف جاهیان بود (۱۱۳۵ - ۱۳۶۸ ه.ق). بارزترین وجه تمایز آصف جاهیان از سایر حکومت‌های محلی مسلمان هند این بود که آن‌ها توانستند تا پایان سطره استعمار انگلیس حاکمیتشان را به‌عنوان مهم‌ترین حکومت محلی و نیز به‌عنوان تکیه‌گاه اصلی مسلمانان این سرزمین حفظ کنند. این مهم سبب شده تا پژوهش پیش‌رو به کمک روش تحقیق تاریخی و استخراج داده‌ها از منابع به شیوه کتابخانه‌ای، مناسبات حکام آصف‌جاهی با استعمار انگلستان را مورد بررسی قرار دهد. مطابق با یافته‌های تحقیق، این حکام با فهم دقیق خود از شرایط شبه‌قاره، گاه با انگلستان از در

۱. استادیار دانشگاه میبد، دانشکده علوم انسانی، گروه ایران‌شناسی و تاریخ دانشگاه

(tarafdari@meybod.ac.ir).

مخالفت درآمدند و امتیازاتی گرفتند و گاه با همکاری مقطعی از آن به‌عنوان ابزاری برای بقای حکومت خود و یافتن مجالی برای ستیز با استعمار بهره گرفتند.

کلیدواژگان: آصف‌جاهیان، استعمار انگلیس، شبه‌قاره هند، حیدرآباد دکن، استعمارستیزی مسلمانان.

مسئله تحقیق

به دنبال درگذشت اورنگ زیب (۱۱۱۸ م.ق) آخرین امپراتور مقتدر گورکانی و فروپاشی تدریجی دولت مرکزی، زمینه برای شکل‌گیری حکومت‌های متعدد محلی در شبه‌قاره فراهم آمد. همچنین، این شرایط باعث شد تا انگلیسی‌ها در پرتو آن با کنار زدن رقبای فرانسوی، سلطه خود را تا سال (۱۲۷۴ ه.ق) در قالب کمپانی هند شرقی و سپس به‌صورت حاکمیت مستقیم دولت انگلستان بر شبه‌قاره مستقر سازند. از نتایج مهم سلطه انگلیسی‌ها پایان دادن به سده‌ها حاکمیت مسلمانان بر شبه‌قاره بود که از طریق آلت دست کردن امپراتوری گورکانی و درنهایت حذف آن (۱۲۷۴ ه.ق) و نیز برچیدن حکومت‌های محلی مسلمان، انجام پذیرفت. در این میان، حکومت مسلمان آصف‌جاهی که به‌عنوان بزرگ‌ترین حکومت محلی هند در سال ۱۱۰۳ ه.ق توسط میرقمرالدین از بلندپایگان دربار امپراتوری گورکانی تأسیس شده بود، توانست به‌رغم تهدیدات و دشواری‌های فراوان تا پایان استعمار انگلیس بر شبه‌قاره هند دوام بیاورد. در زمینه مناسبات این حکومت با استعمار انگلیس پرسش‌های اساسی در زمینه چگونگی سلطه انگلیسی‌ها و سیاست آن‌ها در قبال حکومت آصف‌جاهی و نیز رویکرد حکام آصف‌جاهی نسبت به استعمارگران انگلیسی وجود دارد که پژوهش‌های کوشش کرده با پرداختن به آن‌ها به شیوه توصیفی-تحلیلی مسئله تحقیق را روشن سازد.

پیشینه پژوهش

در زمینه حکومت آصف‌جاهیان آثار متعددی به زبان فارسی وجود دارد از جمله آن‌ها مقاله‌ای است تحت عنوان «روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران در دوره آصف‌جاهیان هند و تالپوران» که پژوهندگان آن شاهین و توسلی (۱۳۹۶) به‌رغم عنوان پژوهش به شکل بسیار مختصر و پراکنده به آصف‌جاهیان و نقش آن‌ها در حفظ ادب پارسی اشاره کرده‌اند. آقای مؤذنی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقام میرعثمان علی‌خان آخرین فرمانروای آصف‌جاهیه دکن در میان این سلسله و نگاهی به شعرهای او» ضمن معرفی حکام این سلسله و تشریح علاقه آن‌ها به ادب فارسی به بررسی اشعار میر عثمان علی‌خان پرداخته‌اند و به مواردی چون نعت پیامبر ﷺ و علی رضی الله عنه و واقعه غدیر خم در غزل‌های مذهبی این آصف‌جاه توجه نشان داده‌اند. معصومی و عباسی (۱۳۹۶) ذیل مقاله‌ای با عنوان «بازتاب زندگی روزانه در تواریخ فارسی دوره سلاطین دکن و آصف‌جاهیان» خلال بررسی تاریخ فرهنگی و مذهبی دکن به سنن مذهبی چون برگزاری عاشورای حسینی، اعیاد مذهبی، جشن‌ها، تفریحات و سرگرمی‌ها، خوراک و پوشاک مردم دکن در عصر آصف‌جاهیان هم پرداخته‌اند. بررسی وضعیت زبان و ادبیات فارسی در مقاله‌ای از آقای رادفر (۱۳۸۷) تحت عنوان «تاریخچه زبان فارسی در حیدرآباد دکن و وضعیت کنونی آن» مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله گذشته از مروری بر سیر زبان فارسی در ادوار مختلف تاریخی دکن به دانشگاه عثمانیه که توسط آصف‌جاهیان تأسیس شده و دپارتمان ادبیات فارسی و اساتید آن نیز پرداخته شده است. عمر خالدی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به فرهنگ شیعه در دکن» ضمن بحث پیرامون شیعیان دکن، مناسبات شیعیان و اهل سنت، مناسک و اعتقادات شیعیان در دوره‌ی آصف‌جاهیان را نیز به بحث گذاشته است. به هر روی تأمل در ادبیات تحقیق بیانگر آن است که محققان در خلال پژوهش‌های خود جامعه و حکومت اسلامی آصف‌جاهی را از زوایای مختلفی مورد توجه قرار داده‌اند. باین‌همه، در پیوند با ادبیات پژوهش بدان سبب

که به مناسبات این حکومت با استعمار انگلیس کمتر پرداخته شده، مقاله پیش رو می‌کوشد با پرداختن به آن، ابعادی دیگر از موضوع را روشن نماید.

شکل‌گیری حکومت آصف‌جاهی

ضعف امپراتوری گورکانی هند که اندکی بعد از مرگ اورنگ زیب (۱۱۱۸ م.ق) به وقوع پیوست نه تنها شرایط را برای سیطره استعمارگران بر هند فراهم ساخت که زمینه‌ساز اصلی تجزیه قلمرو گسترده امپراتوری و سر برآوردن حکومت‌های محلی نیز گردید که این پدیده با استقلال نسبی بنگال در سال ۱۱۲۴ ه.ق نمایان گردید. تداوم این روند باعث شکل‌گیری حکومت‌های متعددی از جمله نظام‌های حیدرآباد در دکن^۱ گردید. مسلمانان از دیرباز، حکومت‌هایی چون بهمنیان (۷۴۶-۹۳۴ ه.ق)، عادل شاهیان (۸۹۵-۱۰۹۷ ه.ق)، نظام شاهیان (۸۹۵-۱۰۴۶ ه.ق) و قطب شاهیان (۹۰۱-۱۰۹۸ ه.ق) را در آنجا تأسیس کرده بودند. لازم به ذکر است منطقه دکن طی مدت سی و نه سال در حفاصل سقوط قطب شاهیان توسط اورنگ زیب تا شکل‌گیری دولت آصف‌جاهی به لحاظ استقلال سیاسی دچار فترت گردید و توسط حکام ویژه و مورد تأیید امپراتوری گورکانی اداره گردید.^۲

میرمحمد قمرالدین بنیان‌گذار ایرانی‌تبار حکومت آصف‌جاهی در سال ۱۰۹۳ ه.ق متولد شد.^۳ خانواده صوفی مسلک او مهاجران ایرانی بودند که در دوران شاه جهان از

۱. دکن یا دکهن که مثل بسیاری از واژه‌ها در زبان هندی «ه» آن تلفظ نمی‌شود در زبان سانکریت به معنای جنوبی است اهمیت دکن در طول تاریخ به خاطر آن بود که کلید ورود و کنترل نواحی جنوبی هند بوده است در این مورد و پیشینه تاریخی و فرهنگی آن ر. ک به: رُنه گروسه و ژرژدنیگر، ص ۱۶۵-۱۶۱.

۲. سید رضی الدین، حدیقه العالم، جلد ۲، ص ۳.

۳. تجلی شاه، توزوک آصفی (تذکره آصفیه)، ص ۱۵.

سمرقند به هند مهاجرت کردند. جد او خواجه عابد، در عهد امپراتوری اورنگ زیب، در دربار حکومت گورکانی ترقی نمود و به حکومت ملتان رسید.^۱ انتخاب او به فرماندهی سپاه اورنگ زیب در حمله به دکن و درگیری با قوم هندوی مرآته‌ها، بیانگر مراتب و جایگاه اوست. پس از کشته شدن خواجه عابد در جریان حمله به قلعه گلکنده^۲ مقرر حکومت شیعی قطب شاهی، فرزندش امیر شهاب‌الدین از فرماندهان و کارگزاران امپراتوری گردید و کار پدر را در جنگ با مرآته‌های دکن ادامه داد.

بنا به روایت خاندان آصف‌جاهی که خالی از اغراق نیست امیر شهاب‌الدین با دختر یکی از وزرای شاه جهان ازدواج کرد و میرقمرالدین که ثمره این ازدواج بود زیر نظر مستقیم اورنگ زیب تربیت گردید.^۳ میرقمرالدین، متعاقب مرگ پدرش مراحل ترقی را با کسب مناصب بالای نظامی دربار مغول با موفقیت طی کرد. سرانجام در دوران بهادر شاه (۱۱۱۸-۱۱۲۰ ه.ق) جانشین اورنگ زیب لقب «خان دوران خان بهادر» به همراه مقام والی‌گری و فرماندهی لکنهو را از امپراتور دریافت کرد.

از پیامدهای درگذشت اورنگ زیب اوج گرفتن تدریجی قدرت شیعه بود که بر اثر سیاست‌های تعصب‌آمیز او در مواردی به‌سختی افتاده بود.^۴ سلطه مقطعی و مقتدرانه دو برادر یعنی سیدحسین علی و سیدعبدالله از خاندان‌های صاحب‌نام و پرنفوذ سادات شیعی باره^۵ یا کلان بر امپراتوری مغول از نشانه‌های بارز چنین وضعیتی بود که حاصل آن

۱. علی شهیدی، آشنایی نظام قاجار با نظام حیدرآباد بررسی نسخه کیفیت سلطنت اسلامی دکن، ص ۱۲۵.

2. Golconda

۳. همان، ۱۲۶.

۴. هالیستر، تشیع درهند، ص ۱۵۶.

۵. گویا در زبان هندی به معنای دوازده است و چون این سادات مالک دوازده آبادی بودند به این نام خوانده می‌شدند.

پررنگ شدن اختلافات شیعی و سنی در ساختار قدرت بود. رقابت شیعی و سنی از سوی و دسته‌بندی‌های سیاسی احیاناً یکی از زمینه‌های تنش میرقمرالدین با ذوالفقار خان وزیر ایرانی تبار و صحنه‌گردان اصلی امور در دوره جهاندار شاه (۱۱۲۵-۱۱۲۴ ه.ق) را فراهم آورد.^۱ گویا به همین سبب است که میرقمرالدین در دوران حکومت چندماهه جهاندارشاه از صحنه سیاست حضور ندارد. با این همه، در آن اوضاع آشفتنه سیاسی هند طولی نکشید که امپراتور بعدی یعنی فرخ سیر (۱۱۲۴-۱۱۳۱ ه.ق) به کمک برادران سادات باره به قدرت رسید و در راستای مهار نفوذ گسترده سادات و به پاس خدمات پدر و جدش در فتح دکن و نیز رویارویی با مرآته‌ها میرقمرالدین را تحت عنوان نظام‌الملک بهادر فتح جنگ با منصب هفت‌هزاری (فرماندهی هفت هزار سرباز) به حکومت دکن مأمور کرد.^۲ به‌رغم این انتصاب، طولی نکشید که این سردار سنی حنفی و از مخالفان سرسخت سادات شیعی باره که بر حکومت گورکانی مسلط بودند به پایتخت فراخوانده شد.^۳

سرانجام محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ ه.ق) برای کنار زدن برادران سادات که به دلیل سلطه بر امپراتوری و تغییر پیاپی پادشاهان به شاه تراش^۴ نیز مشهور شده بودند، دست یاری به سوی قمرالدین از مخالفان سرسخت این خاندان و سیاست‌های آنان دراز کرد. قمرالدین، بعد از کمک مؤثرش به محمدشاه در حذف سیطره برادران سید بار، دیگر حکومت ایالت دکن را از آن خود ساخت و اندکی بعد در سال ۱۱۳۴ ه.ق با عنوان نظام‌الملک به وزارت امپراتوری گورکانی برگزیده شد.^۵ نظام‌الملک بعد از دستیابی به

۱. عبدالله شهبازی، زرسالاران پارسی و یهودی استعمار بریتانیا و ایران، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ص ۵۴.

3. Majumdar, The History and Culture of the Indian people, p.119.

۴. عزیزاحمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۳۰.

۵. محمود و عابدی، تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند، ص ۲۱.

وزارت، فرزندش ناصر جنگ را به سرپرستی محمد انورالدین که بعدها نواب کرناٹک^۱ شد در دکن گذاشت تا از دستاوردهای خود در آن منطقه محافظت کند.

در جریان حمله نادرشاه (۱۱۴۸-۱۱۶۰) تدبیر نظام الملک و مصالح نادر باعث شد تا بر اساس معاهده کرنال محمدشاه پادشاهی‌اش را حفظ کند. به‌رغم این نظام‌الملک به همراه رقیب دیگرش سعادت خان بنیان‌گذار حکومت شیعی اود متهم هستند که پس از آنکه به سبب مخالفت و کارشکنی درباریان، موفق به نظم بخشیدن به دربار و سیطره بر آن نشدند، طی نامه‌هایی تردید و تزلزل نادر را در حمله به هند از بین برده‌اند.^۲ باین‌همه، اقدام نادر در بریدن گوش منشی نظام‌الملک و یک روز نگه‌داشتن وزیر در آفتاب و اخذ مبالغ معتابه‌ای از او^۳ در همکاری‌اش با نادر تردید ایجاد می‌کند.

به‌هرحال، اندکی بعد از آنکه نادر، دهلی ویران و دربار آشفته گورکانی را با غنائم فراوان ترک کرد،^۴ نظام‌الملک هم که گویی از اصلاح محمدشاه و امور امپراتوری ناامید شده بود به سوی حیدرآباد که در آنجا پسرش ناصر جنگ به «اغوای بعضی کوته‌اندیشان خیال خودسری نموده بود»^۵ رهسپار گشت. نامبرده، پس از گوشمالی پسر نافرمان خود عملاً

۱. کرناٹک بخش وسیعی از قلمرو جنوب هند را در بر می‌گرفت به دو بخش بالاگاو و پابین گاو تقسیم می‌شد، بخش جنوبی خشک و کم آب و از نظر کشاورزی فقیر بود. شهرهای عمده کارناٹیک؛ مدرس، ولور، پوندچیری، ترانکوبار، تریچیناپالی، مادورا، آرکوت که پایتخت آن محسوب می‌شد. در این زمینه اطلاعات بیشتر جغرافیایی در هند سده نوزدهم رک به:

Hughes, A manual of geography, p.374.

۲. ژان، اوتر، عصر نادر شاه، ص ۱۵۱-۱۵۰.

۳. همان: ۱۶۸.

۴. برخی معتقدند با حمله نادرشاه کار امپراتوری به پایان آمد در این زمینه رک به شیروانی، ص ۶۱۷.

۵. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ص ۶۱.

بنیاد حکومت اسلامی وسیع و قدرتمندی را در دکن پایه‌ریزی کرد که تا اندکی بعد از استقلال هند (۱۳۶۸ ه.ق) دوام یافت.

این حکومت، به سبب آخرین لقب او آصف‌جاه، به آصف‌جاهیان^۱ و به واسطه عنوان پرافتخارش نظام‌الملک، نظام نیز خوانده شد.^۲ در دکن، نظام که از خاندان حنفی صوفی مسلکی برخاسته بود و در دربار اورنگ زیب متعصب سنی پرورش یافته بود با مذهب و فرهنگ اصیل شیعی به‌عنوان میراث قرن‌ها حاکمیت‌های شیعی مواجه گردید.^۳ تشکیل حکومت آصف‌جاهی نه‌تنها برای شیعیان که در طول چهل سال حکومت اورنگ زیب که سرنگونی حکومت‌های شیعی دکن را نوعی جهاد علیه مرتدان جلوه‌گر می‌ساخت^۴ و درصدد از بین بردن هویت شیعی آن بود شرایط مناسب‌تری را فراهم کرد بلکه به تدریج حکام آصف‌جاهی را نیز به شدت تحت تأثیر مذهب شیعی قرار داد. نکته مهم دیگر بحث زبان و ادب پارسی بود که حکومت‌های ایرانی‌تبار دکن نظیر بهمنیان از طرق مختلف از جمله با تشویق و پذیرش مهاجران آن را تقویت کردند.^۵ بعد از بهمنی‌ها هم حکومت‌های نظام‌شاهی، عماد‌شاهی، برید‌شاهی، عادل‌شاهی و قطب‌شاهی از حامیان اصلی زبان و ادب پارسی در دکن به حساب آمدند.^۶

نظام‌الملک بنیان‌گذار حکومت آصف‌جاهی خود شاعری توانا و از حامیان ادبا و شعرا به شمار می‌رفت. از جمله کسانی که مورد حمایت و عنایت او و بخصوص جانشینانش قرار گرفت میرغلامعلی آزاد بلگرامی بود که گذشته از خدمت در مناصب حکومتی آصف‌جاهی

1. Government culcuttar, imperiat gazetteer of Indian, p.15.

۲. نظام‌الملک مقام والایی بود که در واقع ناظر بر اداره کل امپراتوری بوده است.

۳. رحمانی، شکوفایی تمدن اسلامی در هند، ص ۱۵۱.

4. Jadunath Sarkar, Ma'asir-i-Alamgiri: History of the Emperor Aurangzib-Alamgir, 174.

5. AtharAbbas. Asocio-intellectual history of isna Ashari, vol.1,2, 243.

۶. یکتایی، نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین پاکستان، ص ۷۷.

در آثار ارزنده‌اش چون «خزانه عامره» و «سرو آزاد» وقایع تاریخی حکومت آصف‌جاهی از آغاز تا آخر حیات خود (۱۲۰۰ ه.ق) در دوران آصف‌جاه ثانی را نگاشت. این اثر به سبب هم‌عصر بودن نگارنده با این وقایع، اهمیت زیادی دارد. سابقه فرهنگ و زبان پارسی در دکن هندوستان به‌عنوان زبان رسمی، علائق شخصی آصف‌جاهیان و ضرورت حفظ هویت فرهنگی و اسلامی خود در برابر هندوئیسم و هجمه فرهنگی استعمارگران باعث گردید پاسداشت آن جزو خط‌مشی‌های بارز حکام آصف‌جاهی به‌حساب آید.

در زمینه نوع برخورد نظام‌الملک با استعمار انگلیس هم باید گفت که دغدغه اصلی او نه استعمارگران غربی که قوم هندوی مراته بود که آن‌ها را دشمن اصلی و مستقیم آصف‌جاهیان می‌دانست.^۱ چنین نگرشی در آن زمان طبیعی بود چراکه مراته‌ها ضمن سلطه بر مسلمانان به آزار و اذیت آن‌ها پرداخته و سیاست پویای توسعه‌طلبی گسترده‌ای را به زیان آن‌ها در شبه‌قاره پیش‌گرفته بودند.^۲ البته وقایع آینده خلاف تصور نظام‌الملک را نشان داد که نه مراته‌ها که استعمارگران فرانسوی و به‌ویژه انگلیسی‌ها با استفاده از اختلافات جانشینی که متعاقب وفاتش (۱۱۶۱ ه.ق) به وقوع پیوست درصدد سلطه بر حکومت آصف‌جاهی برآمدند.

اختلافات جانشینی و تأثیر آن بر سلطه استعمارگران (۱۱۶۱-۱۱۷۶ ه.ق)

مطالعه تاریخ شبه‌قاره در ارتباط با مقوله استعمار بیانگر آن است اختلافات بر سر قدرت و در رأس آن مسئله جانشینی که از مشکلات ساختار قدرت به‌حساب می‌آمد، از موارد مهمی بود که زمینه نفوذ استعمارگران فرانسوی و انگلیسی را تحت لوای حمایت از یکی از مدعیان قدرت فراهم می‌ساخت. بر این اساس، بعد از درگذشت نظام‌الملک نزاع جانشینی بین پسرش ناصر جنگ با حمایت انگلیسی‌ها^۳ و نوه نظام، مظفرجنگ به

۱. تجلی شاه، توزوک آصفی (تذکره آصفیه). ۴۲-۳۸.

۲. دولافوزا، تاریخ هند، ص ۱۹۵.

3. Gleig, the life of robert first lord clive, p. 26.

پشتیبانی فرانسویان رخ داد. البته بلگرامی شاعر و نویسنده هم‌عصر وقایع به سبب مناسبات دوستانه‌ای که با ناصر‌جنگ داشته و حتی از طرف او مأمور اصلاح دیوان شده بود از رابطه ناصر‌جنگ با انگلیسی‌ها چیزی نمی‌گوید و تنها مظفر جنگ را متهم می‌کند که برای اولین بار پای نصاری فرانسوی را به دیار اسلام باز کرده است.^۱ به هر صورت، اختلافات جانشینی ضمن آنکه برای نخستین بار پای اروپاییان را به قلمرو حکومت اسلامی حیدرآباد باز نمود، باعث رویارویی فرانسویان و انگلیسی‌ها هم گردید.

دوپلیکس^۲ (۱۶۹۷-۱۷۶۳ م ۱۱۰۸-۱۱۷۷ ه.ق) رئیس کمپانی فرانسوی هند شرقی که از نخستین اقدامات او بهره‌گیری از بومی‌ها در ارتش کوچک فرانسوی بنام سپوی^۳ و به کارگیری آن در مقابل دشمنان هندی و انگلیسی خود بود^۴ با اعزام سپاهی به فرماندهی بوسی^۵ موفق شد تا چاندا صاحب را به‌عنوان نخستین حاکم دست‌نشانده اروپاییان در منطقه کرناتک مستقر سازد.^۶ متعاقب این جنگ که به شکست و قتل ناصر جنگ انجامید و در شرایطی که رقیب او مظفر جنگ هم بر اثر کشمکش‌های داخلی کشته شده بود،

۱. بلگرامی، آزاد، خزانه عامره، ص ۵۶ و ۶۰.

2. Dublix

۳. کلمه سپوی (Sepoy) یا سیپایی (cipaye) برگرفته از واژه فارسی سپاهی است که مثل صدها واژه فارسی دیگر توسط انگلیسی‌ها مورداستفاده قرار گرفت. درست است که کمپانی انگلیسی هند شرقی قبل از فرانسویان بومی‌ها را در قالب ارتشی کوچک جهت مواظبت از تاسیسات کمپانی استخدام کرده بود اما این فرانسویان بودند که نخستین بار ایده استفاده از سربازان بومی هندو و مسلمان را برای توسعه متصرفات در هند به کار گرفتند. در این زمینه رک به:

Alexanderspiers, spiers and surnnes French and English. Pronouncing dictionary, P.112.

4. Peter, harington, plassey 1757, p.46.

5. Busy

6. marshal, the making and unmaking pf empire, p.138.

فرانسویان یکی از شاهزادگان بنام صلابت‌جنگ را بر اریکه قدرت در حیدرآباد نشانند و بدین ترتیب، نفوذ و سلطه خود را در دو ایالت کرناتک و حیدرآباد مستقر ساختند.^۱ در این اثنا، فرزند دیگر نظام که برخلاف توصیه پدر، تلاش کرد تا به کمک مرآته‌ها بر حاکمیت چنگ بیاندازد ناگهان به طرز مشکوکی درگذشت یا بقولی به او سم خورانده شد^۲ و بدین‌سان، او هم چون مظفرجنگ و ناصرجنگ از دور رقابت خارج شد.

در حیدرآباد، صلابت‌جنگ که به کمک فرانسویان به تخت نشسته بود^۳، پایتخت را از حیدرآباد به اورنگ‌آباد منتقل کرد. نظام مذکور با مشاهده افول قدرت آن‌ها و قدرت روزافزون انگلیسی‌ها، بر اساس سیاست مخرب شایع در شرق یعنی استفاده از یک قدرت اروپایی علیه دیگری، برای رهایی از سلطه فرانسویان خشن و سلطه‌طلب، دست یاری به سوی انگلیسی‌ها که البته آن‌ها را در طغیان برادر جوان‌ترش میرنظام علی‌خان دخیل می‌دانست، دراز کرد. به‌رغم انعقاد معاهده‌ای با انگلیسی‌ها و تعهدش مبنی بر واگذاری بخشی از قلمرو آصف‌جاهی به آن‌ها و نیز اخراج فرانسویان از مناطق تحت نفوذ خود طولی نکشید که میرنظام علی‌خان فرزند چهارم نظام‌الملک بافرمانی از جانب امپراتور شاه عالم که در آن او را «نظام دوم» نامیده بود به حیدرآباد آمد و حکمرانی این منطقه را به دست گرفت.^۴ نکته حائز اهمیت آنکه منابع آصف‌جاهی حکمرانان دوران چهارده ساله بعد از فوت نظام‌الملک تا روی کار آمدن میرنظام علی‌خان را با لقب آصف‌جاه و یا نظام خطاب نکرده‌اند^۵ و بدین‌سان حکمرانی ناصرجنگ، مظفرجنگ و صلابت‌جنگ را فاقد مشروعیت می‌دانند.

1. Schmid, an Atlas and survey of south Asian history, p-56.

2. fraser, our faithful ally the nizam Being "An historical sketch of events heydarabad, p.29.

۳. آزاد بلگرامی، خزانه عامره، ص ۶۱.

4. Alik han, Hyderabad 400 years zenith services, p. 88-91.

۵. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ص ۱۲۳ و نیز، iBid.

مناسبات نظام علی خان با انگلیسی‌ها (۱۲۱۸-۱۱۷۶ ه.ق)

آصف‌جاه نظام علی خان بعد از کنار زدن صلابت جنگ در وهله اول پایتخت را از اورنگ‌آباد که متعاقب ویرانی و غارت حیدرآباد پایتخت حکمرانان شیعی توسط اورنگ‌زیب به‌عنوان نماد سنی‌گری ساخته شده بود به حیدرآباد که مقر پدرش نیز بود، بازگرداند. به دنبال این رخداد، تجلی‌علی شاه (۱۱۵۱-۱۲۱۵ ه.ق) خطاط، شاعر، واقعه‌نگار و نقاش دربار نظام دوم مجاللی یافت تا در اثر ماندگارش بنام تَزُکِ آصفیه با نقاشی‌های خود احیای مجدد حیدرآباد را به تصویر کشد. آصف‌جاه دوم، برخلاف اورنگ‌زیب برای تطابق حکومت خود با فرهنگ کهن شیعی قلمروش با اقداماتی چون بازسازی عبادت‌خانه‌ها، مراکز علمی شیعی، عاشورخانه سلطنتی و حمایت از برگزاری مراسم‌هایی چون عاشورا از آن‌ها حمایت کرد.^۱

نظام علی‌خان در بدو حکمرانی‌اش با چند مسئله اساسی مواجه گردید: گذشته از مراته‌ها که در دوران آشفتگی پس از نظام‌الملک بر بخش‌های وسیعی ازدکن مسلط شده بودند، از دیگر تحولات شکل‌گیری دولت قدرتمند مسلمان میسور به رهبری حیدرعلی بهادر (۱۱۷۵ ه.ق) در جنوب قلمروش بود که سازش ناپذیری با انگلیسی‌ها از وجوه مشخصه آن محسوب می‌گردید. این که گفته شده حکومت میسور، تحت تأثیر فرانسویان که به دنبال اعمال نفوذ مجدد در حیدرآباد بودند در صدد سلطه بر «دولت خداداد» نظام حیدرآباد برآمد^۲ با توجه به روحیات و اهداف حیدرعلی‌خان قابل نقد است. به نظر می‌رسد هدف اصلی او وادار کردن نظام به اتحاد علیه انگلیسی‌ها بود که البته این ائتلاف به ابتکار سلطان میسور در سال ۱۱۹۳ ه.ق به وقوع پیوست و سه دولت مطرح آن زمان یعنی مراته، میسور و حیدرآباد اتحاد موثری را علیه انگلیسی‌ها بوجود آوردند.^۳ هرچند

۱. اسکات کوگلسال، اظهار عشق به علی: شعر اردو، زهد شیعی در حیدرآباد، ص ۳.

۲. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ص ۸۴.

3. Nathsen. Anglo. Maratha relation popular prakasha, P. 34.

وارن هستینگز^۱ (۱۱۹۹-۱۱۸۶ م.ق) نخستین فرماندار انگلیسی هند، با زیرکی و بر اساس اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» این اتحاد را بهم زد ولی با وجود شکست ائتلاف مذکور حیدرعلی متصرفات انگلیسی‌ها در کرناتک را درنوردید و پیروزمندانه به شهر مدرس از مراکز مهم انگلیسی‌ها حمله‌ور گردید. هستینگز به سختی توانست با تهییج انگلیسی‌ها و حمایت آنان از طریق دریا، حیدرعلی را از دیوارهای مدرس دور کند و آبرو و اعتبار بریتانیا را باز خرد.^۲

متعاقب بهم خوردن اتحاد میسور و حیدرآباد توسط هستینگز و بالا گرفتن تنش بین آن دو حکومت، نماینده انگلیسی‌ها وارد حیدرآباد شد و معاهده‌ای را با نظام در مقابل میسور بود، منعقد ساخت که بر اساس آن نظام می‌بایست بخش‌هایی از قلمرو خود را به انگلیسی‌ها واگذار کند و جهت «استحکام پذیرفتن روابط و یگانگی فیما بین سرکار عالی و سرکار عظمت‌مدار انگریزی» نماینده آنان را دربار خود پذیرا گردد.

برخلاف این گفته که در نتیجه این معاهده «ازدیاد اتحاد و یکتا دلی جانبین افزون گشت و جمعیت انگریزی ملازم سرکار گردیدند»^۳ نظام علی‌خان ینحوی زیرکانه به چالش با انگلیس‌ها ادامه داد. انگلیسی‌ها از طریق نماینده خود حرکات نظام نامطمئن را زیر نظر داشتند و نظام هم از برانگیختن آنها خودداری کرد، بطوری که وقتی نماینده تیپو سلطان جهت طلب یاری به حیدرآباد آمد او بنا به ملاحظه نماینده انگلیسی مستقر در حیدرآباد^۴ «جواب خلاف مرضی مبارک نموده مورد عتاب گشته و نمایندگان تیپو را دست

1. Warren Hastings

2. hunter, the Indian empire its people history and products, India, Asian educational service, p: 392.

۳. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ۵۸۹.

4. john kenoy

خالی به میسور باز گردانید».^۱ البته تنها نظام‌های حیدر آباد نبودند که تیپو سلطان حاکم میسور را که می‌توانست سلطه انگلیسی‌ها در هند را در هم پیچد تنها گذاشتند سایر حکام مسلمان چون فتح‌علیشاه قاجار هم به‌رغم تشریح خطر انگلیسی‌ها برای حکومت‌های اسلامی توسط نمایندگان میسور از کمک به او خودداری کردند.^۲

به‌هرروی در شرایطی که انگلیسی‌ها مشغول خاتمه دادن به کار تیپو بودند، نماینده انگلیس ریچارد جانسون^۳ دائماً به نظام یادآوری می‌کردند که بهترین گزینه برای او وفاداری به انگلیسی‌هاست و حتی برای خشنود کردن نظام با واگذاری منطقه کرناتک که آصف‌جاهیان همواره آن را بخشی از قلمرو خود می‌دانستند در ازای مبلغی سنگین موافقت کردند. در سال ۱۷۹۸ م انگلیسی‌ها که تصمیم به انهدام قدرت تیپو سلطان گرفته بودند، معاهده‌ای ساختگی با نظام حیدرآباد و همینطور مراات‌ها منعقد کردند که براساس آن، در قبال همکاری و اتحاد این دو دولت، بعد از شکست تیپو، بخشی از قلمرو میسور به آنها واگذار می‌گردید. نظام حیدرآباد و مراات‌ها که با سلطان میسور مخفیانه سر و سری پیدا کرده بودند با چنین وعده‌هایی اغوا شدند و بر اتحاد خود با کمپانی پایدار ماندند.^۴

انگلیسی‌ها بعد از فراغت از کار میسور قوای خود را بر روی مراات‌ها متمرکز کردند و با کشتار بیرحمانه آن‌ها، دهلی و منطقه شمال غرب شبه قاره را تحت نفوذ خود درآوردند. جالب آنکه بعد از شکست تیپو سلطان نه تنها هیچ بخشی از قلمرو او نصیب نظام نشد^۵ بلکه به ویژه بعد از شکست مراات‌ها ناگزیر شد سیستم تحت‌الحمایگی را هم بپذیرد. در

۱. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ۵۸۹: ۵۹.

۲. سپهر، ناسخ التواریخ یا تاریخ قاجاریه. ج ۱، ص ۱۰۶.

3. Richard Johnson

4. marvel, military and civil, of Duke welington, P. 41.

5. desouza, interstate Disputes over krishna waters, law, science and imperialis p. 133.

اواخر دوازدهم هجری انگلیسی‌ها با قراردادهای و پیمانهای متعدد، گذشته از بخشی از قلمرو نظام، امتیاز مهم استقرار سربازان و نماینده انگلیسی در حیدرآباد رابه دست آوردند، در ابتدای سیزدهم هجری روابط خارجی این دولت را نیز تحت کنترل خود گرفتند و بدین گونه کوشیدند نظام حیدرآباد را از هر حیث تحت سلطه خود درآورند. سربازان انگلیسی که در چند پادگان نظامی در قلمرو نظام مستقر شده بودند تا سال ۱۲۴۰ ه.ق هزینه‌ای بیش از ۳۰۰۰۰۰ لک روپیه بر دوش نظام‌های حیدرآباد گذاشتند و هنگامی که نظام‌ها قادر به پرداخت این هزینه‌ها نبودند، ناگزیر جمع آوری مالیات بخش‌های ثروتمندی از قلمرو خود را به انگلیسی‌ها واگذار کردند.^۱

با این همه نظام‌علی‌خان طی حکمرانی ۴۳ ساله خود چند خط مشی اساسی را پایه‌ریزی کرد که توسط جانشینانش به دقت دنبال شد: یکی اتخاذ سیاست دوگانه حفظ روابط به ظاهر دوستانه توأم با امتیاز دهی به انگلیسی‌ها و ضربه زدن و امتیازگیری از آنها در زمانی که مجالی به دست می‌آمد که این مهم به تداوم حکومت آنها کمک زیادی کرد. دیگری اتخاذ سیاست‌های فرهنگی و مذهبی چون حمایت از شعرا و ادبا و نیز حمایت از شیعیان و فرهنگ شیعی و در چشم اندازی کلی‌تر با تقویت فرهنگ اسلامی کوشید نه تنها هویت اسلامی دکن را در برابر اکثریت هندو که در مقابل رواج تدریجی زبان انگلیسی و فرهنگ غربی حفظ کند.

مناسبات میرعلی اکبر خان (سکندرجه) با انگلیسی‌ها (۱۲۱۸-۱۲۴۴ ه.ق)

بعد از مرگ نظام‌علی‌خان ۱۲۱۸ ه.ق فرزندش میر علی اکبر ملقب به سکندرجه به‌عنوان نظام سوم به قدرت رسید. در زمینه مناسبات نظام با انگلیسی‌ها می‌توان گفت این دوره شاهد اوج سیطره انگلیسی‌ها بر آصف‌جاهیان بود، نماینده آنها به نحو گستاخانه‌ای در امور داخلی آن حکومت مداخله می‌کرد. هرچند در انظار عمومی رفتار

1. Gavin, Aden under british rule (1839-1967) p.158.

متواضعانه و خاشعانه‌ای با نظام داشت اما بقولی «اگر نظام اندکی گوش می‌جنباند به گوش او می‌گفت نواب مرحوم را اولاد بسیار است و منحصر به جنابعالی نیست و سپس به امر خویش مشغول می‌شد».^۱ به‌عنوان مثال، وقتی مرثیه خوانی مسلمان، به تحریک مبارزالدوله شاهزاده مخالف انگلیسی‌ها، در بازار مخصوص پادگان انگلیسی با آنان درگیر شد، عدم تحویل این مرثیه خوان به انگلیسی‌ها باعث شد تا نماینده انگلیسی فرمان دستگیری شاهزاده مذکور را صادر کند. هنگامی که سربازان انگلیسی خواستند این فرمان را راسا اجرا کنند، مشیرالملک وزیر نظام به آنها گفت «ما بند و بست مرشد زاده خود، خود می‌کنیم».^۲ اما فرمانده انگلیسی حکم مافوق را نشان داد و گفت به من دستور داده شد تا نامبرده را دستگیر کنم. سرانجام با پادرمیانی راجه هندوی متنفذ، چندو لعل بهادر^۳ شاهزاده مبارزالدوله به بهانه شکار چند روزی از حیدرآباد تبعید شد و قضیه ختم به خیر گردید.^۴

افزون بر دخالت مستقیم، نماینده انگلیسی یکی دیگر از اهرم‌های کنترل حکومت‌ها یعنی نفوذ در شخصیت‌های بلندپایه درباری را بکار گرفت. از جمله این افراد، بنا به گفته برخی منابع، میرعالم بهادر بود که پیشتر فرمانده سپاه حیدرآباد در جنگ علیه تیپو سلطان بود و با انگلیسی‌ها نهایت «دوستی و اتحاد» را داشت.^۵ هنگامی که نظام تصمیم گرفت یک هندوی تحت نفوذ فرانسوی‌ها را به فرماندهی سپاه منصوب کند، نامبرده با حالت اعتراض به پادگان انگلیسی‌ها رفت و سرانجام «حسب الحکم جماعت انگریزیه» به

۱. کرمانشاهی، مرآت‌الاحوال جهان‌نما، ص ۲۳۶.

۲. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزارآصفیه)، ۱۰۷.

3. Raja chandu Bahadur

۴. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزارآصفیه)، ص ۱۰۸.

۵. کرمانشاهی، مرآت‌الاحوال جهان‌نما: ۲۳۵.

فرماندهی سپاه رسید و «به این سبب نیز قوت ایشان مضاعف شد».^۱ گذشته از آن، انگلیسی‌ها هرکس که مخالف نظام بود را مورد حمایت خود قرار می‌دادند و در مقابل، اگر از شخصیت‌های برجسته کسی با خودشان ابراز مخالفت می‌کرد، در آن واحد «بنیاد او را خراب می‌کردند».^۲ به همین دلیل، تمام بزرگان و سرداران، در این دوره انگلیسی‌ها را حاکم واقعی و نظام را دست‌نشانده انگلیسی‌ها یا به قولی چون «چوب پشت دری» می‌دانستند.^۳

از جمله شخصیت‌های مهم وابسته به انگلیسی‌ها راجه چندولعل بهادر مذکور و معاون میرعالم وزیر شیعی و مشاور نظام بود که بعد از مرگ او به فرماندهی سپاه نائل گردید و در واقع همه کاره دستگاه نظام شد. هرچند در مراودات میرعالم بهادر با انگلیسی‌ها مصلحت‌جویی‌هایی برای حیدرآباد وجود داشت، در رفتار راجه مذکور چنین چیزی دیده نمی‌شود. نماینده انگلیس بشدت از طیف هوادار انگلیسی‌ها حمایت می‌کرد و حتی حکومت کلکته طی نامه‌ای به نماینده خود در حیدرآباد خواستار حمایت پشت پرده او از راجه مذکور شد که طرح‌های انگلیسی‌ها را علیه نظام اجرا می‌نمود.^۴ راجه چندولعل فرد زیرکی بود و ضمن آنکه قدرت واقعی را در دربار نظام اعمال می‌کرد به انگلیسی‌ها بیش از نظام ارادت داشت.^۵

۱. کرمانشاهی، مرآت الاحوال جهان نما، ۲۳۵.

۲. همان: ۲۳۵.

۳. همان: ۲۳۶.

4. Om, prakasash, Encyclopaedic history of indian freedom movement, p.22 1.

5. Buekingham, the oriental herald and journal of general literature, p. 371.

از دیگر برنامه‌های انگلیسی‌ها از دوره سکندرجه گسترش نفوذ هندوها در حیدرآباد و به هم‌زدن تعادل فرهنگی و جمعیتی این منطقه به زیان مسلمانان بود. در مقابل، نظام سکندر جه خط فرهنگی و مذهبی پدرش در حمایت از تشیع و فرهنگ اسلامی را از چند سو ادامه داد: یکی بکارگیری وزرای شیعی چون رکن‌الدوله (۱۱۷۸-۱۱۷۹ ه.ق) و ارسطوجاه (۱۱۹۳-۱۲۱۰ ه.ق) عبدالقاسم سیدمیرعالم (۱۲۱۹-۱۲۲۳ ه.ق) مهم‌ترین وزیر و مشاورش بود. دیگری حمایت از اقداماتی چون ساختن مساجد و اماکن مذهبی و حمایت از برگزاری باشکوه مراسم‌ها و اعیاد مذهبی حتی مراسم‌های شیعی اثرگذار مثل عاشورا بود.^۱ در نهایت در این دوره نیز شاهد تداوم بیش از پیش حمایت نظام و بزرگان حیدرآباد از شاعران و ادبای فارسی زبان هستیم.

در زمینه حفظ تعادل جمعیت و قدرت نظامی مسلمانان هم نظام سکندرجه برای مقابله با انگلیسی‌ها و در راستای سیاست سنتی آصف‌جاهیان و البته حکمرانان پیشین دکن از بهمنیان تا قطبشاهیان به شکلی زیرکانه شروع به استخدام نیروهای مسلمان از جهان اسلام کرد.^۲ با این‌همه، انگلیسی‌ها زود متوجه منظور و مقصود نظام‌ها شده و با وضع قوانین مهاجرت و ایجاد موانع مختلف تا حدودی جلوی این اقدام آنها را گرفتند.^۳

مناسبات میر فرخنده علیخان با استعمار انگلیس (۱۲۲۷-۱۲۷۳ ه.ق)

بعد از مرگ سکندرجه، فرزندش میر فرخنده علیخان به عنوان نظام چهارم روی کارآمد او با درک صحیحش از شرایط و گرفتاری‌های انگلیسی‌ها به نحو گسترده‌ای کوشید جلوی نفوذ بی حد و حصر انگلیسی‌ها که در دوره پدرش به اوج خود رسیده بود را بگیرد. نظام مذکور، در اقدامی بی‌سابقه خواستار برکناری و عزل خارجیان از کارهای

۱. هالیستر، تشیع درهند، ص ۲۰۳. همچنین بنگرید به: عمرخالدی، نگاهی به فرهنگ شیعیان

دکن، ص ۳.

2. gavin, Aden under british rule, p. 158.

3. ibid, p. 159.

اداری دکن شد. هر چند درخواست او از طرف فرماندار انگلیسی که درگیر گسترش امپراتوری هند بریتانیا در سایر نقاط شبه قاره بود، مورد پذیرش قرار گرفت، اما به‌رحال موجب سردی روابط انگلیسی‌ها با نظام شد.^۱ در این زمان، شاهزاده مبارزالدوله مذکور بار دیگر با انگلیسی‌ها برخورد پیدا کرد و از حیدرآباد تبعید شد. بدرقه تعداد زیادی از مردم، نشان از محبوبیت او و گستردگی تنفر مردم از انگلیسی‌ها داشت. از تحولات مهم این دوره، ظهور وهابیت در دکن و حیدرآباد بود. شخصیت‌هایی چون مولوی ولایت علی و مولوی سلیم در اشاعه وهابیت در حیدرآباد نقش اساسی ایفا کردند به طوری که «هزاران نفر را از مذهب سنت و جماعت برگردانیدند و آنها را مرید خود کردند».^۲

از تحولات فرهنگی در دوره سکندرجه بحث حذف زبان فارسی به عنوان زبان اداری و حکومتی شبه قاره توسط انگلیسی‌ها بود. به طور کلی زبان فارسی در سده سیزدهم و چهاردهم هجری با سه جریان متفاوت مواجه شد: یکی جریان سنی مرتبط با حجاز بود که بر فرهنگی اسلامی - عربی تاکید داشت، دیگر رشد و گسترش ناسیونالیسم هندو بود که فرهنگ و زبان فارسی را یادآور سلطه مسلمانان می‌دانستند، پارماندا یکی از اندیشه‌ورزان هندو با اشاره به دوران مغول می‌گوید: «مسلمانان زبان سانسکریت را متوقف و حافظ و سعدی را در مدارس ما رواج دادند»^۳ و لزوم حذف آن را خاطر نشان می‌سازد. سومین جریان استعمار انگلیس بود که با حذف زبان فارسی از ساختار اداری هند در سال ۱۲۳۳ ه.ق و جایگزینی آن با زبان انگلیسی در صدد تعمیق سلطه خود برآمدند. اگرچه نظام‌های حیدرآباد از میرفرخنده علیخان در واکنش به اقدام انگلیسی‌ها آرام آرام به تقویت

1. alikhan, Hyderabad 400 years zenith services, p 97-98.

۲. خان زمان خان، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه)، ص ۱۳۷.

3. Geof ereya, p. 74.

زبان اردو به عنوان زبان رسمی و اداری خود پرداختند،^۱ اما از علاقه آن‌ها به فارسی چیزی کم نشد. در نهایت از مهمترین تحولات اواخر حیات این نظام، قیام بزرگ هندوستان بود که تجلی خشم شبه قاره علیه استعمار انگلیس به حساب می‌آمد.

مناسبات افضل الدوله با انگلیسی‌ها (۱۲۷۳-۱۲۸۵)

روی کار آمدن افضل الدوله مصادف شد با شورش بزرگ هندوستان که گذشته از آنکه بزرگترین چالش برای استعمارگران انگلیسی به حساب می‌آمد بار دیگر نظام‌های حیدرآباد را بر سر دو راهی حفظ قلمرو خود یا رد پذیرش ریسک ورود به مسائل شبه قاره و رویارویی تمام عیار با انگلیسی‌ها قرار داد. بنظر ضروری می‌رسد قبل از پرداختن به این مهم مختصری از وضعیت کلی انگلیسی‌ها سخن به میان آوریم.

انگلیسی‌ها از ابتدا تا اواسط سده سیزدهم هجری در راستای سلطه برهند چند مرحله را پشت سر گذاشتند. در طول سده دوازدهم از سیاست فریب و حيله و بهره‌گیری از رقابت‌های سیاسی و قومی و ایجاد تفرقه استفاده کردند. از اواخر سده دوازدهم هجری تا اواسط سده سیزدهم بیشتر از خط مشی تلفیقی زور و سیستم تحت‌الحمایگی یا حاکمیت غیرمستقیم کمک گرفتند. در نهایت از اواسط سده مذکور با وجود یک ارتش قدرتمند دویست و هفتاد و سه هزار و سیصد و شصت نفره^۲ درصدد حذف حاکمیت غیرمستقیم و کنترل بی‌واسطه بر شبه قاره برآمدند.^۳

سیاست جدید، متأثر از رواج تفکرات لیبرالی در غرب و داغ شدن بحث استبداد با تبلیغات گسترده در این راستا منجر به حذف حکومت‌های محلی چون اوده شد. در زمینه

۱. در این زمینه بنگرید به: سدارنگاری، پارسی گویان هند و سند، ص ۲۲۴.

۲. گاردنر، کمپانی هند شرقی، ص ۲۳۳.

۳. گاردنر، کمپانی هند شرقی، ص ۴۳۹.

نظام‌های حیدرآباد، با وجود اصرار لندن به خاتمه دادن حیات آن که از نظر آنها حکومتی قرون وسطایی و جابرانه داشت دالهوزی فرماندار وقت انگلیسی (۱۲۷۲-۱۲۷۹ ه.ق) از انجام آن خودداری ورزید.^۱ ظاهراً، تحلیل او این بود که حفظ و کنترل مستقیم منطقه دکن و کرناتک برای انگلیسی‌ها سخت و پرهزینه می‌شد. با این‌همه، با توجه به اصرارهای لندن مبنی بر حذف این حکومت اسلامی، اگر قیام (۱۲۷۳ ه.ق) پیش نیامده بود احتمالاً کار نظام‌ها هم به آخر می‌رسید.

در زمینه رویکرد نظام‌های نسبت به قیام ۱۲۷۳ ه.ق باید گفت اگرچه گرایش‌های قوی در حمایت از آن در حیدرآباد وجود داشت و حتی خود نظام افضل‌الدوله (۱۲۷۳-۱۲۸۵) مایل به حمایت از آن بود، اما نخست وزیر سالار جنگ،^۲ نظام را تشویق به ادامه سیاست سنتی ستیز و سازش با انگلیسی‌ها یعنی حفظ قلمرو پرهیز از رویارویی مستقیم با انگلیسی‌ها کرد. پیش از این هم نظام‌ها با عدم همکاری جدی با سلاطین میسور و مراته‌ها زمینه پیروزی انگلیسی‌ها را مساعدتر کردند در اینجا نیز انگلیسی معتقدند که اگر نظام به شورشیان پیوسته بود سرنوشت انگلیسی‌ها در شبه قاره درهاله‌ای از ابهام قرار می‌گرفت.^۳ به هرروی انگلیسی‌ها بعد از شورش به شیوه حاکمیت غیرمستقیم بازگشتند و در قالب یک اطلاعیه سلطنتی خاطر نشان ساختند که حقوق شاهزادگان و حکومت‌های

۱. همان: ۴۳۹.

2. dod, The history of the Indian revolts of the expedition to Persia and japan, p.291.

۳. خاندان سالار جنگ از دیوان سالاران با سابقه دربار آصف‌جاهیان است که پنج تن از آنها به وزارت رسیدند در اینجا منظور مختارالملک سالار جنگ یکم است.

۴. هربرت فیشر، تاریخ اروپا، ص ۲۷۶. در این زمینه همچنین بنگرید به:

D'souza, desouza, Radha, interstate Disputes over Krishna p. 133.

نیمه‌مستقل محترم شمرده خواهد شد. این اعلامیه، باعث آرامش خاطر حکومت‌های محلی گردید که نارضایتی آنها از عوامل اصلی شورش محسوب می‌شد. از تحولات مهم دیگر عصر افضل‌الدوله آنکه تحت نظر نخست وزیر حیدرآباد سالار جنگ (۱۲۶۹-۱۳۰۰ ه.ق) توجه به نوسازی از طریق اقداماتی چون کنارنهادن دیوان سالاری سنتی و جایگزینی تدریجی آن با ساختار بوروکراتیک جدید، ایجاد نهادهای مالی مدرن چون ایجاد خزانه مرکزی، تأسیس بانک و تأسیس مدارس و مواردی از این دست انجام گرفت.^۱ او به عنوان معمار حیدرآباد نوین و نیز به خاطر برقراری نظامی تحسین‌برانگیز و کارآمد یکی از با کفایت‌ترین سیاستمداران مسلمان در نیمه دوم سده سیزدهم به حساب می‌آید و اقدامات او مورد توجه حکومت‌های اسلامی دیگر چون قاجاریه در ایران قرار گرفت.^۲

مناسبات میرمحبوب علی خان با انگلیسی‌ها (۱۲۸۵-۱۳۲۹ م.ق)

بعد از مرگ افضل‌الدوله به ۱۲۸۵ ه.ق فرزندش میرمحبوب علی خان بعنوان ششمین نظام انتخاب گردید که به علت آنکه سه سال بیشتر نداشت امور حیدرآباد به دست نخست وزیر سالار جنگ افتاد. میرمحبوب علیخان تحت نظر معلمان انگلیسی و مسلمان که به تعلیم و تربیت او پرداختند، فردی فرهیخته و خردمند شد و در دوران او طرح‌های عمرانی، از جمله احداث راه آهن، ایجاد پارک‌های زیبا، نوسازی شهرها، ارسال افراد برای آموزش در اروپا و آمریکا روند نوسازی را که در دوره پدرش آغاز شده بود را ادامه داد،^۳ هرچند انگلیسی‌ها برای این نظام احترام زیادی قائل بودند و به او لقب ستاره برجسته هند دادند، اما او آرام آرام کوشید

1. *ibid.* p. 133.

۲. علی شهیدی، بررسی کیفیت سلطنت اسلامی دکن، ص ۱۲۰.

۳. حسین محمدی، بررسی و واکاوی نقش آصف‌جاهیان در حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی

در دکن، ص ۲۸.

تا مناسبات دوستانه‌اش با حکومت انگلستان را در مقام حکومت مستقل آصف‌جاهی شکل دهد. نکته جالب توجه آنکه ضمن علاقه‌اش به نوسازی کشورش با کمک فن‌آوری و دانش غربی درصدد حفظ هویت فرهنگی و تمدنی دکن نیز برآمد. نکته مهم حمایت او از علما، دانشمندان و ادبا که با گسترش ناسیونالیزم هندو و در نتیجه بالاگرفتن خصومت هندوها نسبت به مسلمانان احساس ناامنی می‌کردند، زمینه مهاجرت بسیاری از آنها را به حیدرآباد فراهم ساخت.^۱

مناسبات میرعثمان علیخان با انگلیسی‌ها (۱۳۲۹-۱۳۶۸ ق.ه)

در دوران میرعثمان، حکومت آصف‌جاهی همچنان بلحاظ جمعیت و وسعت مهم‌ترین حکومت‌های محلی هند در سده هجدهم تا اواسط چهاردهم هجری محسوب می‌شد.^۲ این مهم زمانی که نظام در تداوم خط مشی دیرینه نظام‌ها موفق شد طی مذاکراتی با انگلیسی‌ها آخرین مناطق متصرفی اجدادی خود را از انگلیسی‌ها پس بگیرد بیش از پیش اهمیت یافت. میرعثمان علیخان که تحت شرایط عصر جدید از آزادی عمل بیشتری برخوردار بود، تصمیم گرفت دکن را به یکی از مناطق پیشرفته جهان تبدیل کند. از اقدامات او در این راستا گسترش راه‌ها، ایجاد سدها، نوسازی شهرها، تأسیس مدارس، تأسیس روزنامه‌ها و از همه مهم‌تر راه‌اندازی کالج گلبرگه و دانشگاه عثمانیه به عنوان یکی از مهمترین تجربه‌های آموزشی نوین مسلمانان اهمیت زیادی داشت. زبان آموزشی دانشگاه اردو بود البته بعد از سلطه حکومت هند بر دکن زبان رسمی دانشگاه به انگلیسی تغییر کرد.^۳ ایجاد دارالترجمه و ترجمه کتب در زمینه علوم طبیعی از انگلیسی و ترجمه آثار فارسی و عربی به اردو از اقدامات مهم دانشگاه مذکور بود.^۴

۱. مؤذنی، مقام میرعثمان‌علی‌خان آخرین فرمانروای آصف‌جاهیه دکن در میان این سلسله و نگاهی به شعرهای او، ص ۹۳.
۲. نهر، کشف هند، ج ۱، ص ۵۱۹.
۳. عزیزاحمد، تفکر اسلامی در هند، ص ۹۰.
۴. جهت اطلاعات بیشتر بنگرید به: حسین محمدی، بررسی و واکاوی نقش آصف‌جاهیان در حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی در دکن. همچنین عزیزاحمد، تفکر اسلامی در هند، ص ۹۰.

در پی مطرح شدن استقلال هند و طرح وضعیت حکومت‌های محلی، مناسبات آصف‌جاهیان و استعمار انگلیس به نقطه پایان خود نزدیک گردید. انگلیسی‌ها برای مدت‌ها استدلال میرعثمان که دکن به جز دوره سی و پنج ساله اورنگزیب همواره از هند مستقل بوده را پذیرفتند. با این‌همه آن‌ها که به قولی در آستانه رفتن از هند «سیاست تفرقه بیانداز و برو»^۱ را درپیش گرفته بودند علی‌رغم قول‌هایی که مبنی بر حمایت از استقلال دکن به نظام دادند، در سال ۱۳۶۸ ه.ق بی‌اعتنا به وعده‌های خود به نظام، هند را ترک کردند و میرعثمان را در برابر حکومت مرکزی هند تنها گذاشتند. حاصل آنکه ارتش هند حیدرآباد پایتخت نظام را تصرف کرد^۲ و به حیات آخرین یادگار حکمرانی مسلمانان در دکن خاتمه داد. مساله به اینجا ختم نشد انگلیسی‌ها با تحریک ملی‌گرایی در میان هندوها و معرفی کردن مسلمانان به عنوان قومی بیگانه و سلطه‌گر خشم هندوها را برانگیختند. این مهم حاکمیت هند را واداشت تا با از بین بردن دستاوردهای فرهنگی و تمدنی مسلمانان دکن از جمله علائم اسلامی دانشگاه عثمانیه، میراث باشکوه مسلمانان را کم رنگ یا محو سازد.^۳

نتیجه‌گیری

آصف‌جاهیان یا نظام‌های حیدرآباد از جمله حکومت‌هایی بودند که در سده دوازدهم هجری و متعاقب ضعف امپراتوری گورکانی و به موازات آن سلطه تدریجی انگلیسی‌ها بر شبه قاره هند در منطقه دکن شکل گرفتند. در زمینه چگونگی سلطه انگلیسی‌ها بر حکومت آصف‌جاهی می‌توان گفت در پیوند با شرایط عمومی شبه قاره، انگلیسی‌ها با استفاده از اختلافات قومی و دامن زدن به آنها و اتخاذ رویکرد دسیسه و توطئه از جمله در

۱. آواستی، ساختار سیاسی هند، ص ۱۰۱.

2. khalidi, hydarabad after the fall, hydarabad historical society, p. 56.

۳. مؤذنی، مقام میرعثمان‌علی‌خان آخرین فرمانروای آصف‌جاهیه دکن در میان این سلسله و

نگاهی به شعرهای او، ص ۹۴.

قالب معاهدات مختلف موفق شدند آن را تحت سیطره خود درآورند. آن‌ها همچنین، با استقرار نماینده ویژه خود در حیدرآباد، تأسیس پادگان‌های نظامی و بهره‌گیری از شخصیت‌های نفوذی خود کوشیدند تا سلطه خود را بر حکومت آصف‌جاهی تداوم بخشند. مناسبات این حکومت با استعمار انگلیس را از دو منظر سیاسی و فرهنگی می‌توان مورد توجه قرار داد. در عرصه سیاسی شاید سازش و ستیز بهترین مفهوم برای تشریح رویکرد آنها در مقابل استعمار انگلیس است. مطابق با این سیاست آصف‌جاهیان هیچگاه به رویارویی مستقیم با انگلیسی‌ها نپرداختند و هرگاه از سوی آنها تحت فشار قرار گرفتند با انعطاف‌پذیری و امتیازدهی کوتاه آمدند و به هنگام ضعف و مشکلات انگلیسی در مناطق مختلف شبه قاره متقابلاً به امتیازگیری از انگلیسی‌ها و تقویت موقعیت و استقلال خود پرداختند. اگر چه این سیاست آنها در موارد متعددی چون درگیری انگلیسی‌ها با سلاطین میسور در اواخر سده دوازدهم هجری و نیز در جریان قیام سهمگین ۱۲۷۳ ه.ق به تحکیم سلطه انگلیسی‌ها کمک کرد، اما به آنها مجال داد تا دو قرن و نیم حاکمیت خود را با وجود انگلیسی‌ها تداوم بخشند. در عرصه مذهبی و فرهنگی گذشته از مساله سنتی لزوم تداوم و حفظ فرهنگ اسلامی در قبال هندوئیسم با فرهنگ و مظاهر تمدن غربی نیز روبرو گردیدند. آصف‌جاهیان در مواجهه با چنین وضعیتی از یکسو با درک صحیح وضعیت و با حساسیت فراوان به تقویت فرهنگ اسلامی و بومی خود پرداختند و از سوی دیگر به تدریج و به شکلی حساب شده و با هدف تبدیل شدن به کشوری پیشرفته مقوله نوسازی را در زمینه‌های مختلف از جمله ایجاد بانک، راه آهن، تأسیس مدارس و دانشگاهها و مواردی از این دست دنبال کردند. در نهایت مناسبات آصف‌جاهیان و استعمار انگلیس با استقلال هند تنها در عرصه سیاسی به پایان رسید؛ اما در عرصه فرهنگی و مذهبی میراث شوم انگلیسی‌ها در برانگیختن ملی‌گرایی افراطی در میان هندوها و معرفی مسلمانان به عنوان بیگانگانی سلطه‌گر باعث شد تا حاکمیت‌های هند به شکلی منظم و تدریجی مظاهر فرهنگی و مذهبی آصف‌جاهیان و سایر حکومت‌های اسلامی شبه را به تدریج محو یا کمرنگ سازد.

منابع

الف: فارسی

۱. آواستی، اس. اس، ۱۳۸۶، ساختارسیاسی هند، ترجمه محمدآهنی آمینه، تهران، وزارت امور خارجه.
۲. احمد، عزیز، ۱۳۶۶، تاریخ تفکر اسلامی درهند. ترجمه نقی لطفی، چاپ اول، انتشارات کیهان، تهران.
۳. اوتر، ژان، ۱۳۶۶، عصرنادر شاه. ترجمه دکترعلی اقبالی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۴. آزاد بلگرامی، ۱۲۷۱ ه.ق، میرغلام‌علی، خزانه عامره، بمبئی، بی‌نا.
۵. پانیکار، ک. م، ۱۳۴۷، آسیا و استیلای باختر. ترجمه محمدعلی مهمید، چاپ اول، انتشارات روز، تهران.
۶. تجلی شاه، موزون، ۱۲۰۷ ه. ق، توزوک آصفی (تذکره آصفیه). نسخه خطی (عکس).
۷. خالدی، عمر، ۱۳۸۳، نگاهی به فرهنگ شیعیان دکن، ترجمه محمد مهدی توسلی، ماهنامه گزارش و گفتگو، شماره ۱۳.
۸. خان زمان خان، خواجه غلام حسین خان، ۱۳۷۷، تاریخ آصف‌جاهیان (گلزار آصفیه). به اهتمام دکتر محمد مهدی توسلی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۹. دولافوز، ت. ف، ۱۳۱۶، تاریخ هند. ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، چاپ اول، از نشریات کمیسیون معارف.
۱۰. رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، تاریخچه زبان فارسی در حیدرآباد دکن و وضعیت کنونی آن، نامه پارسی، شماره ۱۲.
۱۱. رحمانی، جبار، ۱۳۹۴، شکوفایی تمدن اسلامی درهند، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
۱۲. سپهر، محمد تقی لسان‌الملک، ۱۳۷۷، ناسخ التواریخ یا تاریخ قاجاریه. جلد اول از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلیشاه، به اهتمام جمشید کیانفر، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران.
۱۳. سدارنگاری، هرامل، ۱۳۵۵، پارسی گویان هند و سند، تهران، انتشارات بنیادفرهنگ.

۱۴. سید رضی الدین (ملقب به میر عالم)، ۱۳۰۹، ه ق، حدیقه العالم، جلد ۲، چاپ حیدرآباد دکن.
۱۵. شاهین وتوسلی، ۱۳۹۶، روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران در دوره آصف‌جاهیان هند و تالیپوران، مجله فصلنامه شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۹، ش ۳۳.
۱۶. شهیدی، علی، ۱۳۹۴، آشنایی ایران قاجار با نظام حیدرآباد؛ بررسی نسخه «کیفیت سلطنت اسلامی مملکت دکن»، ویژه نامه نامه فرهنگستان (شبه قاره)، شماره ۴.
۱۷. شیال، جمال الدین، ۱۳۸۳، نهضت‌های اصلاحی شبه قاره هند. ترجمه و تصحیح و نگارش غلامحسین جهان تیغ، چاپ اول، موسسه هفت اقلیم شرق، زاهدان.
۱۸. شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه. بی جا، بی تا.
۱۹. غبار، میرغلام محمد، ۱۳۵۹، افغانستان در مسیر تاریخ. چاپ دوم، پیام مهاجر، قم.
۲۰. فیشر، هربرت، ۱۳۲۴، تاریخ اروپا، (از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر)، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی.
۲۱. کوگلسال، اسکات، ۱۳۹۵، اظهار عشق به علی: شعر اردو، زهد شیعی و قدرت طوائفین در حیدرآباد، ایران نامک ۱، شماره ۳.
۲۲. کرمانشاهی، آقا احمد، ۱۳۷۵، مرآت الاحوال جهان نما. مقدمه علی دوانی، تهران: انتشارات اسناد انقلاب اسلامی،
۲۳. گاردنر، براین، ۱۳۸۳ کمپانی هند شرقی. ترجمه کامل حلمی و منوچهر هدایتی خوشکلام، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهه.
۲۴. گروسه، رُنه و ژرژ دنیکر، ۱۳۷۵ چهره آسیا، ترجمه غلامعلی سیار با همکاری پیروز سیار، چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
۲۵. محمدی، حسین، ۱۳۹۹ بررسی و واکاوی نقش آصف‌جاهیان در حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی-شیعی در دکن، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، س ۱۸، ش ۷۱.
۲۶. محمود، سید فیاض و عابدی، سید وزیر الحسن، ۱۳۸۰، تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند. ترجمه مریم ناطق شریف، نشر رهنمون،

۲۷. مؤذنی، محمدعلی، ۱۳۷۹، مقام میر عثمان علی‌خان آخرین فرمانروای آصف‌جاهیه دکن در میان این سلسله ونگاهی به شعرهای او، مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران.
۲۸. هالیستر، جان نورمن، ۱۳۷۳، تشیع درهند. ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۲۹. یکتایی، مجید، ۱۳۵۳، نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان، انتشارات اقبال.

ب: انگلیسی

1. Alik han,Raza, 1991, Hyderabad 400 years zenith services, Hyderabad, India,
2. Buekingham,James silk, the oriental herald and journal of general literature, j. m. Richardson, 1825.
3. Campbell,George,1852, Modern india,published by j. murry, London.
4. desouza,Radha,2006, interstate Disputes over krishna waters, law, science and imperialis, orient Blacks wanm.
5. dod,George, 1859,The history of the Indian revolts of the expedition to Persia and japan, published chamberst,
6. fraser,Hastings, 1865, our faithful ally the nizam Being "An historical sketch of events hey darabad, published by smithelde.
7. Gavin,R. j, 1975. Aden under british rule 1839-1967), C. Hurst co publisher.
8. Government culcutta, imperiat gazetteer of Indian, provincial sevies Heydrabad state published, 2007.
9. hamilton marvel,William, 1852, life military and civil, of Duke welington, henry G. Bohnm,
10. harington,Peter, 1994, plassey 1757, published by osprey publishing,
11. Hughes,William, 1861, Amanual of geography,edition3,
12. Jadunath Sarkar, 1986, Ma'asir-i-Alamgiri: History of the Emperor Aurangzib-Alamgir (reign 1658-1707) of Saqi Musta'id 2ed edition; Delhi: Oriental Book Reprint Corp.
13. khalidi,Omar, 1988, hydarabad after the fall,hydarabad historical society.

14. kulke, Dietmar rothermond Hermann,1998,history of India, routledge, London and new York.
15. Lusian D. Benichous, 2000,from autocracy to integration political developments in hydarabad, hydarabad.
16. Majumdar R.C Gen,2001, The History and Culture of the Indian people, vol, Seventh ed. Bhartiya Vidya Bhavan, Mumbai.
17. Om,prakasash,2001,Encyclopaedic history of indian freedom movement, Anmol publication PVT, LTD.
18. -peter james,marshal,2005, the making and unmaking pf empire,oxford university press, 2005
19. Rizvi Sayid Athar Abbas,1986 Asocio-intellectual history of isna Ashari,vol. 1,2,aostralia munshiram manoharlalpublisher...
20. robertGleig,George, 1898, the life of robert first lord clive, London.
21. -Sailen dra, nathsen, 1994, *Anglo. Maratha relation popular prakasha,*
22. Schmid,Karl. Jan,1995, Atlas and survey of south Asian history, M. F. Shorpe.
23. spiers,Alexander, 1866,spiers and surnnes French and English. pronouncing, publishedsbyAppletonandc,
24. Stravers,Robert, 2007,idedology and empire in eighteenth. Century in india, Cambridge university,
25. William Wilson, hunter, 1997, *the Indian empire its people history and products, India, Asian educational service.*

